

کیهان

نوشتن از خدمات متقابل و بی‌تغیر انقلاب اسلامی و ملت ایران، در چند هزار جلد کتاب هم نمی‌گنجد و در این گزارش، به چند مورد ملموس و بدیهی و البته به‌صورت کلی و خلاصه از احداث زیربناها و برخی شاخص‌های اقتصادی براساس آمارهای رسمی می‌پردازیم. البته این به معنای نادیده گرفتن کاستی‌ها، ضعف‌ها و خیانته‌ها نیست اما باید بدانیم جمهوری اسلامی چه چیزی از پهلوی تحویل گرفت و حالا کجاست. هر جا شبیه پهلوی‌ها رفتار شده و اشرافیت و تنبلی بوده، سرفت کرده‌ایم و هر جا حرکت جهادی و زندگی در سطح مردم عادی بوده پیشرفت کرده‌ایم.

انتشار همه خدمات انقلاب اسلامی که با همت ملت و مسئولان دلسوز انجام شده به چندین جلد کتاب و صدها فیلم و سریال و هزاران کلیپ فضای مجازی نیاز دارد که از آن غفلت شده است. تنها ذکر چند نمونه ملموس آن‌هم به‌صورت خلاصه، تفاوت شگرف آنچه بود و آنچه هست را نمایان می‌کند. مردم ایران و بخصوص دهه پنجاهی‌ها و شصتی‌ها، صف‌های نفت در سرای سخت زمستان‌ها و دویین به دنبال خودروی کیسول گاز در همه ایام سال را به یاد دارند؛ دورانی که بیماری‌های ابتدایی ناشی از فقدان آب سالم، به قیمت جان مردم تمام می‌شد، حتی در پایتخت. این بود میراث حکومت پهلوی. کشوری که پهلوی‌ها به‌جا گذاشتند ۷۰ درصد جمعیت ۲۶ میلیونی‌اش در روستاها زندگی می‌کردند که نزدیک به ۹۰ درصدشان فاقد امکانات اولیه برای زنده ماندن بودند. به همین دلیل میانگین امید به زندگی در کشور ۵۵ سال بود که اکنون به ۷۵ سال رسیده است. با این‌حال پوشش بیمه سلامت تقریباً ۱۰۰ درصد شده است.

کار بزرگ گازرسانی

زیربناها، پایه رفاه عمومی و موجب زمینه‌سازی برای رشد اقتصادی کشور است. مردم ایران در دوران قبل از انقلاب تقریباً گاز کشنی نداشتند. به گزارش ششدا، «فقط پنج شهر و یک روستا این‌هم به شکلی ناقص گاز داشتند. به عبارت دقیق‌تر، تا سال ۱۳۵۷ تعداد ۵۱ هزار خانوار ایرانی از نعمت گاز طبیعی برخوردار بودند».

این معضل، در استثنای‌های سردسیر موجب مشکلات فلات‌فرسا برای مردم می‌شد اما با جهشی که از سال ۸۴ به‌وجود آمد گاز کشی در شهرهای ایران اکنون به ۱۰۰ درصد و در روستاها به ۹۰ درصد رسیده و تقریباً همه مردم نعمت آب گرم سالم ۲۴ ساعته که ریشه بسیاری از بیماری‌های پوستی و انگلی را در کشور کنده، برخوردارند.

کل خرید گندم از کشاورزان در سال ۵۷ به ۵۰۰ هزار تن می‌رسید و کشور وابسته به واردات بود ولی سال ۱۴۰۳ به ۱۵ میلیون تن رسید و کشور، خودکفا شد. البته تولید گندم در سال‌های پس از انقلاب دو بار دیگر هم خودکفا شده بود و این سومین بار بود.

آب سالم برای تقریباً ۱۰۰ درصد مردم تا سال ۱۳۵۷ حدود ۷۲ و شش دهم درصد جمعیت شهری حدوداً ۱۱ میلیون نفری تحت پوشش شبکه آبرسانی بوده؛ یعنی حدود ۲۵ درصد جمعیت شهری دسترسی به آب با کیفیت و شبکه آبرسانی نداشتند و امروز ۱۰۰ درصد جمعیت شهری ۷۰ درصد نفری از این نعمت برخوردارند. سال ۵۷ فقط ۱۲ درصد جمعیت روستایی از آب آشامیدنی شبکه‌ای برخوردار بودند که این

رقم در زمان حاضر به ۹۹ و ۹ دهم در شهرها و ۸۲ درصد در روستاها رسیده است. این شاخص‌ها به ترتیب در جهان ۸۵ و هفت دهم و ۵۹ و شش دهم درصد است.

انقلاب در برق‌رسانی

تولید برق، پس از انقلاب افزایش جهشی داشته است. البته به دلیل تمل و ترک فعل دولت حسن روحانی در ساخت نیروگاه‌ها و افزایش ظرفیت تولید برق و ضعف مدیریت وزارت نیرو در دولت‌های فعلی، سال ۹۹ و امسال با قطع برق مواجه شدیم اما در دولت شهید رئیسی، خاموشی نداشتیم. با این‌حال به استناد گزارش روزنامه اطلاعات مورخ ۱۹ اردیبهشت سال ۵۷ معادل ۲۵۰۰ مگاوات برآورد شده است با جمعیت ۲۶ میلیون نفر، اما اکنون به حدود ۹۳ هزار مگاوات رسیده با جمعیت حدود ۸۸ میلیون نفر و با جهشی ۲۷ برابری مواجه شده است.

این رشد تولید موجب دسترسی ۱۰۰ درصدی جمعیت شهری کشور به شبکه برق شده و تمام روستاهای بالای ۱۰ خانوار از این نعمت برخوردار هستند. به‌گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو (پاون)، در زمان پیروزی انقلاب اسلامی به ۴۷۰۰ روستا دارای برق بوده که اکنون به ۵۷ هزار و ۷۰۰ روستا رسیده که ۱۳ برابر شده است.

گسترش ریل و راه و خودرو گسترش راه‌ها، خطوط آهن، فرودگاه‌ها و تعداد خودروهای عمومی و شخصی، علاوه‌بر کمک به پیشرفت اقتصادی کشور، موجب رفاه در زندگی خصوصی مردم شده و آن‌قدر ملموس است که فقط بی‌انصاف‌ها، می‌توانند منکر آن شوند.

طبق اطلاعات وزارت راه و شهرسازی، هم‌اکنون ۲۲۲ هزار کیلومتر مجموع طول راه‌های کشور است که در سال ۵۷ حدود ۲۶ هزار کیلومتر بود اما در بخش بزرگراه‌ها بیش از ۵۵۰ برابر طول این نوع راه بیشتر شده و به بیش از ۲۰ هزار کیلومتر رسیده و شش هزار کیلومتر مسیر در دست اجرائست. طول اتوبان‌های اصلی کشور ۱۸ برابر شده و طول شبکه آزادراهی را ۱۵۰ کیلومتر پیش از انقلاب اسلامی به ۲۹۰۰ کیلومتر رسیده است؛ یعنی بیش از ۱۹ برابر. طبق آمارهای رسمی، طول راه‌های روستایی کشور در زمان پهلوی فقط به ۲۶ هزار کیلومتر می‌رسید که امروز به ۲۰۰ هزار کیلومتر رسیده است که یعنی شش برابر. پیش از انقلاب اسلامی کمتر از یک هزار کیلومتر راه روستایی اسفالته در کشور موجود بود اما در حال حاضر ۱۲۲ هزار کیلومتر راه روستایی در کشور موجود است که حدود ۹۰ هزار کیلومتر آن اسفالته است. افزایش تعداد خودروهای شخصی در روستاها، علاوه‌بر افزایش سفرهای تفریحی، موجب دسترسی سریع روستائیان به مراکز بیمارستانی شهرها و جلوگیری از بسیاری مرگ و میرها شده است.

جدول آماری مندرج در سایت شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل درباره پروژه‌های بهره‌برداري شده ریلی نشان می‌دهد از زمان اجرای نخستین پروژه ریلی در سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۵۷ به تعداد ۱۲ پروژه ریلی یعنی ۴۶۲۶ کیلومتر احداث شده بود که اکنون به بیش از ۱۵ هزار کیلومتر رسیده، یعنی بیش از سه برابر شده است. همچنین تعداد خودروهای شخصی نسبت به سال

دستاوردهای بزرگ انقلاب در حوزه‌های زیربنایی

دستاوردهای بزرگ انقلاب در حوزه‌های زیربنایی

۱۵۰هزار دلار به حساسی در لندن را ابلاغ می‌کند؛ دستوری که بلافاصله اجرا می‌شود. فردوس در خاطرات خود حتی به روزسخ رسانه‌های خارجی می‌گوید: «می‌نویسد: به روزسخ اشغال ایران، رادیوی بی‌بی‌سی سه روز متوالی درباره املاک رضاخان صحبت می‌کرد و می‌گفت بزرگ‌ترین خدمت ما به مملکتش، غصب کلیه اموال مردم شمال بوده است».

در همین حال، محمدعلی فروغی؛ نخست‌وزیر وقت، در مجلس اعلام کرد که رضاخان حدود ۶۸ میلیون ریال در حساب‌های شخصی خود در بانک‌های ایران داشته است؛ رقمی که معادل ۶۶ درصد کل نقدینگی کشور در آن زمان بود. افزون بر این، دارایی‌های او در بانک‌های خارجی از ۳۶ میلیون دلار برآورد می‌شد؛ این هم در شرایطی که بخش بزرگی از مردم ایران در فقر و تنگدای شدید معیشتی به‌سر می‌بردند.

اقتصاد نفتی

در ایران عصر پهلوی، سهم نفت از کل درآمدهای دولت در آغاز دهه ۱۳۲۰ بیش از ۴۳ درصد بود؛ رقمی که در سال ۱۳۵۲ به ۷۸ درصد افزایش یافت. درآمدهای نفتی کشور نیز از ۲۲ میلیون دلار در سال ۱۳۲۳ به ۵۵۵ میلیون دلار در ۱۳۴۳، سپس به ۱٫۲ میلیارد دلار در ۱۳۵۳ و نهایتاً به ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید. در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵، نفت ۳۸ درصد تولید ناخالص ملی، ۷۷ درصد درآمد دولت و ۸۷ درصد درآمدهای نفتی ایران می‌شد. این وابستگی شدید به نفت، شد اما برای آن‌ها که هرگز به روئندند پرداخت نشد و بخشی از مبلغ نیز به‌عنوان «حق کمیسون» توسط وزیر دربار تصاحب شد. پس از سقوط پهلوی، در منطقه یک افسر مگارد و کل املاک او را سرلشکر کریم بونزجهری اداره می‌کرد. در سال ۱۳۱۹ صورت‌حساب عایدی خالص سالیانه املاک پهلوی ۶۲ میلیون تومان بود.»
استناد وزارت خارجه آمریکا نیز این روایت را تأیید می‌کند. در گزارشی به‌تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۱ آمده است که رضاخان تنها در سال ۱۹۳۰ حدود دو میلیون دلار به املاک خود افزوده؛ از جمله زمینی بسیار ارزشمند در شمال ایران که از حاجی معین‌التجار بوشه‌ری خریداری شد اما برای واقعی آن هرگز به روئندند پرداخت نشد و بخشی از مبلغ نیز به‌عنوان «حق کمیسون» توسط وزیر دربار تصاحب شد. پس از سقوط پهلوی، در منطقه یک افسر مگارد و کل املاک غصب‌شده به حدود ۷۰ میلیون تومان رسیده بود و رضاخان دستم کم ۴۰۲۷ قطعه زمین را عمدتاً در استان مازندران، از طریق مصادره، فروش اجباری یا ادعاهای ساختگی به تملک خود درآورد بود، حتی گزارش‌های سفارت انگلیس نیز اذعان داشت که او با منحرف کردن مسیر آب‌های کشاورزی، کشاورزان را به ورشکستگی کشاند تا زمین‌هایشان را تصاحب کند.

محمد حسینی هیکل؛ روزنامه‌نگار برجسته مصری، در توصیف این وضعیت می‌نویسد: «هرآورد می‌شود که هنگام برکناری رضاخان در سال ۱۹۴۱، او مالک حدود ده هزار دهکده بود و نزدیک به یک‌ربع میلیون رعیت مستقیمی روی زمین‌های او کار می‌کردند.»

انبات ثروت در اوج فقر عمومی

حرص سیریزیان‌بازیر رضاخان در ایجاد ثروت، تنها به زمین محدود نم‌اند، ملکات مجرمانه بانکی نشان می‌دهد که انتقال مبالغ هنگفت به حساب‌های شخصی شاه در داخل و خارج از کشور، به‌صورت سازمان‌یافته انجام می‌شد؛ در یکی از این اسناد، سرهنگ رضاقلی امیرخسروی، مدیرکل بانک پهلوی، در نامه‌ای مجرمانه در سال ۱۹۳۱، دستور مستقیم رضاخان برای انتقال

اقتصادی



مردم ایران در دوران قبل از انقلاب تقریباً گاز کشی نداشتند. «فقط پنج شهر و یک روستا آن‌هم به شکلی ناقص گاز داشتند. به عبارت دقیق‌تر، تا سال ۱۳۵۷ تعداد ۵۱ هزار خانوار ایرانی از نعمت گاز طبیعی برخوردار بودند.» این معضل، در استان‌های سردسیر موجب مشکلات طاقت‌فرسا برای مردم می‌شد اما با جهشی که از سال ۸۴ به‌وجود آمد گاز کشی در شهرهای ایران اکنون به ۱۰۰ درصد و در روستاها به ۹۰ درصد رسیده و تقریباً همه مردم از نعمت آب گرم سالم ۲۴ ساعته که ریشه بسیاری از بیماری‌های پوستی و انگلی را در کشور کنده، برخوردارند.

۴۷ سال پس از انقلاب با افزایش پنج برابر برای مردم ۱۳ میلیون تن رسیده است. ایران در زمان پیروزی انقلاب ۲۶ میلیون جمعیت و ۲۵ میلیون تن تولیدات غذایی داشت.

گفتنی است، تولیدات کشاورزی ایران پس از انقلاب اسلامی ۴۰۰ درصد و صادرات محصولات کشاورزی یک‌هزار درصد رشد داشته است. در حالی که پیش از انقلاب تأمین ساده‌ترین محصولات وابسته به واردات بود اما امروز بخش عمده‌ای از نیاز کشور در داخل تنفیذ می‌شود. کل خرید گندم از کشاورزان در سال ۵۷ به ۵۰۰ هزار تن می‌رسید و کشور وابسته به واردات بود ولی سال ۱۴۰۳ به ۱۵ میلیون تن رسید و دو سوم برنج مورد نیاز در کشور تولید می‌شود.

افزایش مستمر نرخ تورم سنگین که اغلب ریشه داخلی دارد و ناشی از هزینه‌های شرکت‌های دولتی، بنگاهداری بانک‌ها و افزایش بی‌منطق و نجومی نرخ ارز است، موجب ضرر و زیان دولت و مردم شده؛ باید به‌صورت اساسی علاج شود.

توجه به حوزه‌های کلان بسیار حیاتی است، اما زندگی امروز مردم نیز مهم است. نگاه راهبردی به مسئله تأمین مسکن و تأمین مالی آن برای نجات فوق‌العاده است، اما چرا مردم، سختی‌ها را بیش از آسانی‌ها متوجه می‌شوند. یک دلیل آن ضعف یا بی‌انصافی رسانه‌های داخلی در انعکاس پیشرفت‌ها و در مقابل سیاه‌نمایی دشمنان است. از دشمن

اسناد افساد ساختاری پهلوی از غارت املاک و نفت تا خراج میلیاردها دلار

اسناد افساد ساختاری پهلوی از غارت املاک و نفت تا خراج میلیاردها دلار

در هیچ دوره‌ای به‌اندازه دوران ۱۳ ساله نخست‌وزیری هویدا فساد گسترده نبوده است. اسدالله علم؛ وزیر دربار، رهنمای یکی از فاسدترین افراد پس از شاه شناخته می‌شد. او با استفاده از نفوذ خود، بودجه کشور را مدیریت و بخشی از آن را به حساب شخصی منتقل می‌کرد و تنها در یک سال بیش از پنج میلیون دلار زمین به دولت فروخت.

ثروت‌های خارج‌شده؛ از رضاخان تا محمدرضا بر اساس اسناد بایگانی وزارت خارجه آمریکا، رضاخان هنگام کاره‌گیری از سلطنت، ۵۰ میلیون دلار در بانک تهران، ۱۸ میلیون دلار در بانک‌های نیویورک و دست‌کم ۱۰۰ میلیون دلار در بانک‌های لندن ذخیره کرد. به مقادیر نامشخصی نیز در بانک‌های سوئیس داشت. تنها در زمان سقوط رضاخان، نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار از ایران خارج شد. رضاخان در دوران سلطنت خود مالک حدود هفت هزار هکتار زمین و بخش وسیعی از اراضی حاصلخیز کشور را تصاحب کرد. جواهرات سلطنتی نیز به این فهرست افزوده می‌شد؛ مجموعه‌ای که طبق قانون اساسی مشروطه، دارایی ملی محسوب می‌شد اما عملاً در اختیار شاه قرار داشت.

در جریان خروج محمدرضا پهلوی از ایران در ۲۶ دی ۱۳۵۷، به‌دست‌فروخت پهلوی ۲۸۲ چمدان و صندوق حاوی جواهرات، تجهیزات، طلا و ارز بسته‌بندی شده تاج شاهنشاهی را ۱۶۶۶ دلار، ۵۰ زمرد، ۲۴۸ مروارید و یک تاج ملکه به ۳۳۸ دلار، بخشی از این اموال بود؛ گنجینه‌ای ارزش غیرقابل تخمین.

مقام دولتی از کشور خارج شد؛ برخی به‌رآورد‌های کلی، ۳۱ میلیارد دلار توسط شخص شاه خیر داده است. تنها در ماه پایانی رژیم، ۱۲ میلیارد دلار از توسط ۱۷۸ مقام دولتی از کشور خارج شد؛ برخی به‌رآورد‌های کلی، مجموع ثروت غارت‌شده خاندان پهلوی را تا ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنند؛ رقمی که شامل املاک، سهام، حساب‌های بانکی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌شود. مجموع شواهد تاریخی نشان می‌دهد فساد اقتصادی در دوره پهلوی نه یک استثنا، بلکه قاعده حاکم بر اقتصاد سیاسی کشور بود؛ فساد؛ که از تمرکز ثروت نفتی، تملک شخصی دولت و نبود نظارت راده شد و نهایتاً به خروج ده‌ها میلیارد دلار ثروت ملی از ایران انجامید؛ پرونده‌ای که بررسی آن، برای فهم رشع‌های تاریخی نابرابری و بی‌اعتمادی در اقتصاد ایران همچنان ضروری است.

در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷، تنها در دفتر بازرسی شاهنشاهی ۲۷۵۰ پرونده فساد کلان مالی تشکیل شد که تقریباً همگی بدون نتیجه و با دستور شغاهی نخست‌وزیر بایگانی شدند. فردوس می‌نویسد

روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی، میزان دارایی خارج‌شده محمدرضا پهلوی از ایران را ۳۵ میلیارد دلار برآورد کرد. اردشیر زاهدی، داماد شاه، نیز از اتهام خروج ۳۱ میلیارد دلار توسط شخص شاه خبر داده است. تنها در ده ماه پایانی رژیم، ۱۳ میلیارد دلار ارز توسط ۱۷۸ مقام دولتی از کشور خارج شد. برخی برآورد‌های کلی، مجموع ثروت غارت‌شده خاندان پهلوی را تا ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنند؛ رقمی که شامل املاک، سهام، حساب‌های بانکی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌شود.

صفحه ۸

سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۴
۲۱ شعبان ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۷۵

در چنین شرایطی ملت ایران پیشرفت پیدا کرد. پیشرفت‌های بسیار مهمی است که قطعاً اگر چنانچه انقلاب نبود و حرکت انقلابی و حرکت جهادی نبود، این پیشرفت‌ها به دست نمی‌آمد.

گفتنی است، انقلاب در کشورهای بزرگ و دارای تمدن رخ می‌دهد. تاریخ نشان می‌دهد، کشورهای انقلاب کرده، اگر دچار شکست یا انحراف نشده، تا ۳۰ سال نخست با حفظ وضع به ارث رسیده،

کشوری که پهلوی‌ها به‌جا گذاشتند ۷۰ درصد جمعیت ۳۶ میلیونی‌اش در روستاها زندگی می‌کردند که نزدیک به ۹۰ درصدشان فاقد امکانات اولیه برای زنده ماندن بودند. به همین دلیل میانگین امید به زندگی در کشور ۵۵ سال بود که اکنون به ۷۵ سال رسیده است. با این‌حال پوشش بیمه سلامت تقریباً ۱۰۰ درصد شده است.

صرفاً به تثبیت و تقویت امنیت خارجی و داخلی کشور می‌پردازند.

در مرحله بعد به سراغ پیشرفت اقتصادی می‌روند که آن هم ۳۰ تا ۵۰ سال طول می‌کشد و بعد اقتدار سیاسی داخلی و خارجی و رشد فرهنگی و… را پیگیری می‌کنند. کشورهای انقلاب کرده موفق، ۲۰۰ سال طول کشیده تا قدرت با قدرت بزرگی شده‌اند و ایران شاید تنها کشوری باشد که پیشرفت در تمام ابعاد را از اول انقلاب با هم شروع کرده، آن‌هم زیر سرسنگین‌ترین فشارهای جنگ و تحریم. البته این به معنای نادیده گرفتن کاستی‌ها نیست اما باید بدانیم جمهوری اسلامی چه چیزی از پهلوی تحویل گرفت و حالا کجاست.

یک نکته مهم حوزه‌ها یا افرادی که مستقیماً ذیل رهبری انقلاب بوده و با تفکر و روحیه فرهنگی ناشی از ایمان انقلابی اسلامی فعالیت کرده‌اند عقب‌انگیزی ۲۰۰ ساله کشور در حیطه خود را جبران کرده‌اند اما آنها که با تفکرات دولتی یا سیاسی ولو سالم فعالیت کرده‌اند ذیل دولت یا نهادهای دیگر بوده‌اند، هنوز در نیمه راه‌اند. اقتصاد در ۴۷ سال اخیر بر خلاف امور نظامی و علمی در اختیار دولت‌ها به‌ویژه تکنوکرات‌ها و غرب زده‌ها بوده و البته در مقطعی هشت ساله به دست انقلابی‌ها افتاد که رشد جهشی داشت.

اگر در بد نظامی و برخی ابعاد فرهنگی و هنری و علمی، ایران به جمع سرآمدان جهان پیوسته به‌دلیل وجود روحیه فرهنگی بر آمده از اسلام انقلابی نیروهای این عرصه‌ها بوده است. با این‌حال تمام دولت‌ها در پیشرفت‌ها و خدمات اقتصادی پس از انقلاب دخیل بوده‌اند اما نقش دولت نهم و دهم در جهش اقتصادی و علمی کشور را هیچ آدم منصفی نمی‌تواند منکر شود.

کاهش تأثیر برخی نارضایتی‌های اکنون مردم در کاش راه‌شان نسبت به سال‌های ۸۴ تا ۹۲ است. البته برخی که اصلاً در خط اسلام و انقلاب و حتی انصاف هم نبوده‌اند با دیگری آن که از انقلابی‌گری شپیمان شده‌اند اکنون به‌دنبال مقصر برای کارنامه ضعیف خود می‌گردند. همه خدمات انقلاب با وجود سنگین‌ترین تحریم‌ها و جنگ بوده است حال آنکه حکومت پهلوی حمایت آمریکا و غرب و شروق و داشت اما حدود ۷۰ درصد مردم در فقر مطلق بودند و این درسی است برای بیگانه‌گرایان.

قاسم رحمانی



محمدعلی فروغی؛ نخست‌وزیر وقت، در مجلس اعلام کرد که رضاخان حدود ۶۸ میلیون ریال در حساب‌های شخصی خود در بانک‌های ایران داشته است؛ رقمی که معادل ۶۶ درصد کل نقدینگی کشور در آن زمان بود. افزون بر این، دارایی‌های او در بانک‌های خارجی تا ۳۶۰ میلیون دلار برآورد می‌شد؛ این هم در شرایطی که بخش بزرگی از مردم ایران در فقر و تنگنای شدید معیشتی به‌سر می‌بردند.

از کاخ تا کبر؛ تصویر دوگانه ایران پهلوی گفته می‌شود که برخی از ایرانیان تحصیل کرده در دهه ۳۰ سال‌ها ساکن در خارج از کشور بوده‌اند، در فکر بازگشت به وطن خود هستند. شاه و وراثتش برای امید دادن به مردم در داخل کشور نیز، تقریباً هر روز اعلام می‌کنند که ملزاد بر ۱۲ میلیارد دلار تخصیص یافته برای اجرای برنامه توسعه پنج ساله‌ای که سال گذشته آغاز شده بود و هزینه‌های بیشتری انجام خواهند داد.

سالیان سال است که شاه برنامه‌هایی برای بازسازی کشور درنظر داشته است. اکنون ظاهراً او پول کافی دارد اما با مشکل پیماژ این حجم از پول به اقتصاد، بدون ایجاد توری فاجعه‌بار روبه‌رو است. شاه با استفاده از کنترل مستبدانه امور در ایران و درآمدهای هنگفت نفتی، اقدام به اصلاح و بازنگری اساسی دولت خود و همچنین گستره برنامه‌های بلندپروازانش برای این کشور ثروتمند، توسعه نیافته، نموده است. ایران باید مبادع غنی، ماشین‌الات، تکنیسان و تکنیسین‌های متخصص، و همچنین هواپیمای، تانک، توپخانه و کشتی‌های جنگی مورد نیاز خود را وارد کند.

انقلاب شاه شامل مجموعه‌ای از طرح‌هایی است که او اذعان دارد دارای جهت‌گیری سوسیالیستی است (از شهرهای پیشرفته ایران است چراکه او قرن پیش پایتخت این کشور بود)، هنوز در خانه‌ها و کلبه‌های گلی زندگی می‌کنند.

خبرگزاری تسنیم است، در حال افزایش می‌باشد. و وحیم است و دولت اعلام می‌کند که اقدام به رفع بی‌سوادی و فقر کرده است. درآمدها سره یک‌هزار دلا‌ری، کمتر از نصف میزان درآمد در بسیاری از مناطق استانی است. درواقع، درآمدها تنها در تهران، جایی که به نظر می‌رسد تعداد موتورسواران جوان از تعداد گدایان بیشتر است، در حال افزایش می‌باشد.